

۴ شنبه ۳۰/۲/۱۴۰۵ - ۳ ذیحجه ۱۴۴۷ - ۲۰ مه ۲۰۲۶ - درس ۱۴۷ فقه الروابط از فقه مدیریت رفتار سازمانی از فقه اداره از فقه معاصر - نقشه راه امام صادق ع در مصباح الشریعه - روابط اربعه - رابطه رابعه - معامله الدنيا - اصول سبعة - اصل دوم - الايثار بالموجود ۶ - فقه الحديث ۲ -

❖ مسئله‌ی ۱۴۷: کارکنان سازمان در مقام توکل بر خدا باید یاد و توجه خدا را بر یاد و توجه به نتایج مادی و معنوی توکل ترجیح دهند تا راه تعالی برای فرد، گروه و سازمان باز و باقی و دائم باشد گفته شد دومین اصل از اصول هفت‌گانه‌ی تعامل کارکنان با دنیای سازمانی «الایثار بالموجود» است.<sup>۱</sup> برای فهم مراد از این اصل ابتدا به فقه اللغة پرداختیم، سپس نوبت فقه القرآن رسید و حال ادامه‌ی فقه الحديث.

## فقه الحديث

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام التَّوَكُّلُ كَأَسْمَى مَخْتَوْمٍ بِحَتَامِ اللَّهِ ﷻ فَلَا يَشْرَبُ بِهَا وَلَا يَفُضُّ خِتَامَهَا إِلَّا الْمُتَوَكِّلُونَ كَمَا قَالَ تَعَالَى وَ عَلَى اللَّهِ فليتوكل المتوكلون وَ قَالَ تَعَالَى وَ عَلَى اللَّهِ فتوكلوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ جَعَلَ اللَّهُ التَّوَكُّلَ مِفْتَاحَ الْإِيمَانِ وَ الْإِيمَانَ فُكْلَ التَّوَكُّلِ وَ حَقِيقَةَ التَّوَكُّلِ الْإِيثَارُ وَ أَصْلُ الْإِيثَارِ تَقْدِيمُ الشَّيْءِ بِحَقِّهِ وَ لَا يَنْفَكُ الْمُتَوَكِّلُ فِي تَوَكُّلِهِ مِنْ إِبْتِنَاتِ أَحَدِ الْإِيثَارِينَ فَإِنَّ آثَرَ الْمَعْلُولِ وَ هُوَ الْكُونُ حُجِبَ بِهِ وَ إِنْ آثَرَ الْمُعَلَّلِ عِلَّةُ التَّوَكُّلِ وَ هُوَ الْبَارِي سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى بَقِي مَعَهُ فَانْ أَرَدْتَ أَنْ تَكُونَ مُتَوَكِّلًا لَا مُتَعَلِّلًا فَكَبِّرْ عَلَى رُوحِكَ خَمْسَ تَكْبِيرَاتٍ وَ وَدِعْ أَمَانِيكَ كُلَّهَا تَوَدِيعَ الْمَوْتِ لِلْحَيَاةِ.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> أَصُولُ مُعَامَلَةِ النَّفْسِ سَبْعَةُ الْخَوْفِ وَ الْجُهْدِ وَ حَمْلُ الْأَدَى وَ الرِّيَاضَةُ وَ طَلَبُ الصِّدْقِ وَ الْإِخْلَاصُ وَ إِخْرَاجُهَا مِنْ مَحْبُوبِهَا وَ رِبْطُهَا فِي الْفَقْرِ وَ أَصُولُ مُعَامَلَةِ الْخَلْقِ سَبْعَةُ الْحِلْمِ وَ الْعَفْوُ وَ التَّوَاضُعُ وَ السَّخَاءُ وَ الشَّقَمَةُ وَ النَّصْحُ وَ الْعَدْلُ وَ الْإِنْصَافُ وَ أَصُولُ مُعَامَلَةِ الدُّنْيَا سَبْعَةُ الرِّضَا بِالذُّوْنِ وَ الْإِيثَارُ بِالْمَوْجُودِ وَ تَرْكُ طَلَبِ الْمَفْقُودِ وَ بُعْضُ الْكَثْرَةِ وَ اخْتِيَارُ الرُّهْدِ وَ مَعْرِفَةُ أَفَاتِهَا وَ رَفْضُ شَهْوَاهَا مَعَ رَفْضِ الرِّئَاسَةِ فَإِذَا حَصَلَتْ هَذِهِ الْحِصَالُ فِي نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَهُوَ مِنْ خَاصَّةِ اللَّهِ وَ عِبَادِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَوْلِيَائِهِ حَقًّا. (امام جعفر بن محمد عليه السلام، مصباح الشریعه، ص. ۶)

<sup>۲</sup> الايثار بالموجود یعنی: در حدود امکانات خود بخشش و گذشت داشتن و در موارد خیر مصرف کردن. (همان، ترجمه‌ی مصطفوی، ص. ۴۵۸)

<sup>۳</sup> (باب هفتاد و پنجم در توکل) حضرت صادق عليه السلام فرمود: توکل مانند کاسه‌ای است که مهر شده است به مهر پروردگار متعال، پس نمی‌آشامند از آن جام و مهر آن را باز نمی‌کنند مگر آنان که در مرحله توکل هستند. خداوند متعال می‌فرماید: بر پروردگار متعال توکل نمایند آنان که متوکل هستند. و باز فرموده است: بر پروردگار متعال توکل کنید اگر هستید مؤمنان - پس در آیه شریفه توکل را کلید ایمان و ایمان را قفل توکل قرار داده است. و به عبارت روشنتر: توکل نتایج و ثمرات معنوی دارد، مانند کمال توحید و حصول مرتبه رضا و برقراری مقام عبودیت، و از آن نتایج روحانی به جز اشخاصی که در مرحله توکل ثابت شده‌اند کسی استفاده نمی‌برد. و این آیه شریفه نظیر آیه کریمه قَتَمُوا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ است. یعنی از لوازم و آثار صدق در ولایت، تمی موت است، و تمی موت کلید و وسیله تحقق مقام دوستی با خدا است. و در این مورد نیز تحقق ایمان مستلزم توکل به خداوند متعال است. و برگشت توکل به اختیار و مقدم داشتن دیگری است بر خود، یعنی دیگری را به جای خود انتخاب کردن و امور خود را به او واگذار کردن. و ناچار شخص متوکل در امر توکل خود، توجه به یکی از دو امر پیدا می‌کند: یا توجه او به معلول و فوائد و محصول توکل است، و آن به وجود آمدن و به دست آوردن اموری است که از توکل حاصل می‌شود، مانند تحصیل فوائد و منافع بیشتر و اظهار طاعت و عبودیت و اقناع نفس خود در مقابل امور جاری و یا آثار و لوازم روحانی دیگر. و یا توجه او به مبدا و علت العلیل توکل می‌باشد، یعنی پروردگار عزیز و بزرگواری که می‌باید در مقابل او عبودیت و طاعت و خضوع پیدا کرده، و از خود بینی و خود نمایی و توجه به نفس و دیگری منصرف و منقطع گشت. در صورت اول: این توجه که در حقیقت توجه به غیر خداوند عزیز و بر خلاف اخلاص و توحید است، موجب محجوبیت و محدودیت است. و صورت دوم: که توجه به عظمت و جلال حق بوده و روی محبت و اخلاص به پیشگاه حضرت او، همه امور خود را به او واگذار می‌کند، در این مورد شخص متوکل پیوسته متوجه و متعلق و وابسته به حق بوده، و با حق تعالی باقی خواهد بود. پس حقیقت توکل در این صورت محقق می‌شود، و چون خواستی از صمیم دل و روی حقیقت متوکل باشی می‌باید به تمام آرزوهای دل و علائق قلبی خود قلم بطلان کشیده، و چون کسی که از زندگی دست شسته و حیاة مادی دنیوی را تودیع می‌کند، از برنامه‌های مادی و افکار و هدفهای دنیوی تودیع بکنی. پس در مقام توکل متعلل مباش، و در پی به دست آوردن علل و جهات و اغراض نحالی سیر مکن، و چون نماز میت پنج تکبیر بر پشت سر هدف‌های مادی و خواهشهای نفسانی بخوان، و تنها توجه خالص تو به پروردگار عزیز باشد و بس. شرح: توکل به صورت اول بر سه مرتبه متحقق می‌شود. اول توکل کردن از لحاظ عبودیت و به خاطر انجام وظایف بندگی، و این مرتبه بالاترین مقام متوکلین است، و هیچ‌گونه نظر و مقصد و غرضی در میان نباشد. دوم توکل از لحاظ محبت و به خاطر عشق و علاقه‌ای که به پروردگار متعال دارد، و آن محبت اقتضاء می‌کند که آنچه محبوب عزیز اختیار کرده و می‌پسندد او نیز پسندد. سوم توکل روی

استظهار: حقیقت توکل ایثار است و برگشت توکل به اختیار و مقدم داشتن دیگری است بر خود، یعنی دیگری را به جای خود انتخاب کردن و امور خود را به او واگذار کردن. در توکل دو ایثار منفی و مثبت وجود دارد. یکی ایثار آثار توکل بر وکیل یعنی خداوند است. این ایثار باعث محجوبیت و محدودیت است؛ زیرا معلولات توکل بسیار است که مثلاً رزق فراوان و لایحتسب است و نیز جعل مخرج و مفر از بحران‌ها اعم از بحران‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... که پرداختن به آن‌ها ممکن است یاد خدا که اصل این توفیقات است منسی و مخفی بدارد. و ایثار مثبت این است که یاد و توجه به وکیل که علت آثار توکل است را بر توجه به آثار مقدم کند و این آثار توحیدی و معرفتی و برکتی فراوان دارد، درجه‌ی مقاومت را بالا می‌برد که اگر منافع و فوائد توکل هم روی حکمت زائل یا کاسته شد، اثری منفی در تداوم مدیریت و تدبیر ندارد، زیرا به اصل وصل شده است و هر لحظه بازسازی و ترمیم می‌کند. لذا مدیران و کارکنان که در امور بر خدا توکل کرده‌اند، باید ایثار کنند و ایثار نکنند؛ ایثار یاد خدا بر سایر یادها که بسیار اثربخش است و عدم ایثار مادیات و حتی معنویات حاصله از توکل بر علت توکل که خداوند است.

تفقه: منافع و فوائد محتمله در ایثار یاد خدا که علت و اصل توکل است بیش‌تر از منافع محتمله در یاد آثار توکل است و عقل الزام به جلب منافع بیش‌تر می‌کند و شرع هم این الزام را تأیید می‌کند، كما فی الخبر.

نکته: نسبت ایثار یاد خدا بر یاد نتایج توکل با «الایثار بالموجود» این است که یاد خدا را که در قلب موجود است بر یاد غیرخدا—ولو محصولات توکل—ترجیح دهد که ایثار مثبت است. فتحصل که کارکنان سازمان در مقام توکل بر خدا باید یاد و توجه خدا را بر یاد و توجه به نتایج مادی و معنوی توکل ترجیح دهند تا راه تعالی برای فرد، گروه و سازمان باز و باقی و دائم باشد.<sup>۴</sup>

---

عنوان عظمت و قدرت و علم و احاطه و خیر و صلاح بینی و مهربانی و عطوفت پروردگار متعال، و متوجه است که آنچه خیر و صلاح اختیار کرده و بخت از او دانا و قادر و محیط است. و در هر صورت مبدء توکل به طور کلی ایمان پیدا کردن و معرفت و حصول یقین است، و تا ایمان به مفهوم حقیقی آن پیدا و محقق نگشته است اتصاف به صفت توکل امکان نخواهد داشت. اینست که در روایات شریفه در ابواب علائم ایمان توکل و تفویض و تسلیم و رضا از علائم شخص مؤمن شمرده شده است. تکیه بر تقوی و دانش در طریقت کافرست/راهروگر صد هنر دارد توکل بایدهش؛ رند عالم سوز را با مصلحت بینی چه کار/کار ملکست آنکه تدبیر و تأمل بایدهش. (امام جعفر بن محمد، مصباح الشریعة، ترجمه‌ی مصطفوی، ص. ۳۲۹)

<sup>۴</sup> درس ۱۴۷ فقه الروابط از سلسله‌ی فقه الاداره، ۳ شهر ذی الحجة ۱۴۴۷.